

عوامل تقویت مدارا در خانواده از دیدگاه آیات و روایات*

- سید علی دلبری^۱
- لعیا خاجوی مقدم^۲

چکیده

مدارا از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده و از مصادیق بارز حسن خلق می‌باشد. در طول زندگی مشترک، ممکن است اعضای خانواده دارای شرایط یا صفات خاصی باشند که تحمل آن برای طرف مقابل امکان‌پذیر نباشد. در این شرایط آنچه می‌تواند تداوم زندگی مشترک را تضمین کند، مدارا است. با توجه به ضرورت مدارا نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، پس از مقدمه‌ای در طرح بحث، به عوامل تقویت مدارا از جمله تقویت مبانی عقیدتی، توجه به منافع بلند مدت خانواده، تمرین و مراقبت، تعافل و تجاهل و درک شایسته همسر می‌پردازد. هدف از این مقاله، آسان شدن تحمل و بالا رفتن ظرفیت همسران در برابر ناملازمات است، تا در نتیجه آن، مدارا برای همسران امری لذت‌بخش شود و سلامت، سعادت و آرامش خانواده، که در گرو مدارای همسران است فراهم گردد. واژگان کلیدی: تقویت مدارا، نرم‌خویی، رفق، انعطاف، خانواده.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۲. کارشناس ارشد دانشکده علوم حدیث (نویسنده مسؤل)

مقدمه

خانواده با پیمان ازدواج پایه‌گذاری می‌شود و این زوج ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند.

(۱۲۴)

از موقعیت‌هایی که همهٔ زوج‌ها بی‌تردید در زندگی با آن رو به رو می‌شوند، تنش‌ها و تضادهایی است که در زندگی مشترک به وجود می‌آید. دلیل آن نیز تفاوت‌های درونی، بیرونی و جسمی میان همسران است، زیرا زن و مرد دو صنف مختلف‌اند که ویژگی‌های طبیعی، آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

علاوه بر آن در طول زندگی مشترک، خانواده با حوادث مختلفی رو به رو می‌شود که واکنش همسران را به همراه دارد و زمینهٔ اختلاف و تعارض بین آنها را ایجاد می‌کند. این اختلافات چنان چه ادامه پیدا کند، فضای خانواده را تیره و پایه‌های محبت را متزلزل می‌نماید. از این رو لازم است با به کارگیری اصول و روش‌های خاصی از بروز این اختلاف‌ها پیش‌گیری شود. در این راستا دین مبین اسلام راه کارهای فراوانی ارائه نموده است. از مهم‌ترین آنها اصل مدارا و انعطاف‌پذیری، معاشرت نیکو با همسر و نادیده گرفتن خطا و اشتباه او است؛ البته تا جایی که در شرع مقدس ممنوع نباشد.

از نظر اسلام، خانواده‌هایی که براساس معیارهای اسلامی و انسانی تشکیل شده باشند و طبق توصیه‌های دین در زندگی عمل کنند، از درگیری‌های حاصل از تفاوت‌ها در امان خواهند ماند. از جملهٔ این توصیه‌ها، مدارا و رفق است.

مدارا در لغت، در باب حسن خلق و معاشرت، به معنای «نرم‌خویی» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۷۱). واژهٔ «رفق» نیز به معنای مدارا و نرم‌خویی است (همان، ج ۱۰، ۱۱۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ۱۴۹؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ۱۹۴). مدارا باب مفاعله از مادهٔ «دری» یا «درأ» گرفته شده است. «درأ» در اصل به معنای دفع کردن است؛ بدی را با خوب دفع کردن و «دری» به معنای معرفت و دانستن است (قریشی، ۱۳۸۶، ج ۱ و ۲، ۳۴۳). در نتیجه در باب مفاعله به معنای درک و فهم متقابل از همدیگر داشتن است.

مدارا و تحمل دیگران، از والاترین ارزش‌های اخلاقی و انسانی و از نشانه‌های

تعالی روح و عظمت شخصیت آدمی است. مدارا، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ بهره‌های مادی در معاشرت، جایگاه والایی دارد. از این رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أمرنی ربی بمداراة الناس کما أمرنی بأداء الفرائض» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ۵۴۰)؛ «همان گونه که پروردگارم مرا به انجام واجبات فرمان داده است، به مدارا با مردم دستور داده است».

انسان در زندگی خانوادگی وظایف و تکالیفی دارد که باید آن را انجام دهد و چنان چه در ادای آن کوتاهی کند، مقصر است. لازم به ذکر است، در اصل ادای وظایف چیزی به نام مدارا وجود ندارد، ولی در راه کارها و کیفیت ادای وظیفه و جهت رسیدن به هدف، که همان کمال و قرب الهی و آرامش در کنار همسر می‌باشد، مدارا یک اصل انکارناپذیر است.

داشتن خانواده‌ای سالم و سعادت‌مند، در گرو آن است که افراد، اندیشه‌ها و سلیقه‌های مختلف یکدیگر را تحمل کنند و از کنار برخوردهای اشتباه و نادرست یکدیگر، با اخلاق کریمانه درگذرند. در فرهنگ اسلامی، مدارا، واکنش مناسب به اختلاف‌ها دانسته شده است. اما این واکنش همیشه به نحو احسن انجام نمی‌پذیرد، چرا که گاهی مدارا، مفهوم تسلیم شدن را تداعی می‌نماید و فرد احساس می‌کند با مدارا و سازگاری در مقابل رفتار نادرست همسر و فرزند، منافع او به خطر افتاده و همسر نیز از آن سوء استفاده می‌کند. همین امر باعث می‌شود زوجین به راحتی نتوانند در برابر مشکلات رفتاری یکدیگر انعطاف نشان دهند.

بنابراین برای تسهیل مدارا، به عنوان یک راه کار سازگاری، شناخت عوامل تقویت آن، ضروری به نظر می‌رسد، چرا که تقویت مدارا مساوی خواهد بود با تقویت و تحکیم محبت بین همسران که آن نیز موجب پویایی و نشاط خانواده سالم خواهد شد و نهایتاً هدف از تشکیل خانواده که همان کمال و کامیابی است تحقق پیدا خواهد کرد.

در این مقاله عوامل تقویت مدارا از جمله تقویت مبانی عقیدتی، توجه به منافع بلند مدت خانواده، تمرین و مراقبت، درک متقابل همسران، تغافل و تجاهل، به عنوان مهم‌ترین عوامل تقویت مدارا از دیدگاه آیات و روایات، مورد بحث قرار

می‌گیرد، تا با مشخص شدن این عوامل و به کارگیری آنها توسط خانواده، میزان تحمل و بردباری آنان در برابر ناخوشی‌های زندگی بالا رفته و سعادت خانواده و جامعه نیز تضمین گردد. امید است مطالب ارائه شده برای همسرانی که در زندگی مشترک‌شان با موانع سازگاری و دشواری رو به رو هستند، تا حدی روشن کننده و راه‌گشا باشد.

عوامل تقویت کننده مدارا در خانواده

برای داشتن یک زندگی دور از تنش و مشکلات رفتاری، باید مدارا را سرلوحه خود قرار داد. از آنجا که مدارا همراه با نوعی گذشت است، کار را سخت می‌نمایاند، ولی آنان که خواستار یک زندگی دلنشین‌اند با شناخت کافی از عوامل تقویت مدارا می‌توانند به آن برسند. در ادامه به عوامل تقویت کننده مدارا در خانواده می‌پردازیم.

۱. تقویت مبانی عقیدتی (معنوی کردن سازگاری)

مهم‌ترین عاملی که می‌تواند جهت تقویت مدارا کارساز باشد تقویت باورهای اعتقادی است؛ زیرا باورها، زیر ساخت خلق و خو و حالات آدمی و رفتارها، برابند اخلاق او می‌باشد. از این رو هرگونه تلاش برای اصلاح رفتار، تنها در صورتی کارایی و ثمربخشی مطلوب خود را خواهد داشت که در گام نخست، باورها و زیربنای اخلاق شخص اصلاح گردد (ایروانی، ۱۳۸۷، ۵۸).

خانواده‌هایی که از باورهای اعتقادی بی‌بهره‌اند زندگی سخت و تنگی خواهند داشت و در مراحل مختلف زندگی با مشکلات مواجه می‌شوند.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه/۱۲۴)؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.

قرآن کریم عامل اصلی این تنگناها را اعراض از یاد حق می‌داند. زیرا آن‌گاه که انسان مسؤولیت‌هایش را به دنبال فراموش کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد غرق در شهوات و حرص و طمع می‌گردد، پیداست نصیب او معیشت ضنک (سخت)

خواهد بود، نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد. اصولاً تنگی زندگی، بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و عدم ایمان به خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ۳۵۹). در محیط چنین خانواده‌هایی نه نور محبتی است و نه پیوند عاطفی نشاط‌بخش و این زندگی، زندگی سختی است. بنابراین برای رسیدن به اهداف مقدس خانواده، ابتدا باید باورهای اعتقادی تقویت شود تا عاملی جهت تقویت فضیلت مدارا باشد. که اهم این باورها اعتقاد به خدا و ایمان به آخرت می‌باشد.

الف - اعتقاد به خدا و جلب رضایت او

مهم‌ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به هستی هدف‌دار و به زندگی معنادار باشد و این عقیده، زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد (سالاری فر، ۱۳۸۵، ۱۱۰).

فردی که خداوند را ناظر و همراه خود بداند و او را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت او را جلب نماید؛ ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق/۱۶)؛ و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.

و تا آنجا پیش می‌رود که نه تنها از نظر عقیده، موحد می‌شود، بلکه از نظر عمل، هر کار نیکی انجام دهد، همچون نماز، عبادت و حتی مرگ و حیات او همه برای پروردگار جهانیان است، برای او زنده است و برای او می‌میرد و هر چه دارد در راه او فدا می‌کند، تمام هدف و تمام عشق و تمام هستی او برای خداوند خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ۸۱). ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام/۱۶۲)؛ بگو نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است (مشایخی، ۱۳۸۷، ۲۸).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد/۲۲)؛ کسانی که برای طلب رضای پروردگارشان صبوری کردند و نماز بر پا داشتند و از آنچه روزی‌شان دادیم در نهان و آشکار انفاق کردند، و بدی را به نیکی برطرف ساختند، نیک فرجامی سرای آخرت برای آنهاست. با توجه به این آیه، صبر و شکیبایی و به طور کلی هرگونه عمل خیر از جمله مدارا، در صورتی ارزش دارد که برای خدا باشد و اگر با انگیزه‌های دیگری از قبیل ریاکاری و جلب توجه مردم، انجام شود بی‌ارزش است. هنگامی که نرم‌خویی و انعطاف انسان به خاطر اطاعت و جلب رضایت خداوند باشد و این که هر حادثه‌ای در زندگی رخ می‌دهد دلیل و حکمتی دارد، تحمل و استقامت به خرج داده، آن چنان که عظمت حادثه را در هم می‌شکند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ۱۸۸ و ۱۸۹).

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفِيقَ وَ يَرْضَاهُ وَ يَعِينُ عَلَيْهِ مَا لَا يَعِينُ عَلَى الْعُنْفِ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ۳۹)؛ به راستی خدا نرمش را دوست می‌دارد و به آن راضی است و به آن گونه که آن را کمک می‌دهد به سخت‌گیری کمک نمی‌دهد. وقتی انسان به این مقام برسد مطمئناً هیچ چیز را جایگزین رضایت خداوند نمی‌کند و تمام تلاشش را برای مقابله با ناهنجاری‌ها به کار می‌برد و در برابر ناملایمات و ناخوشی‌های زندگی نرمی و انعطاف را برمی‌گزیند و هرگز نمی‌گوید، دیگران لیاقت مدارا ندارند، چون می‌داند اگر مورد قدردانی مردم قرار نگیرد خداوند از او قدردانی خواهد کرد.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفِيقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۸۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ۱۸۰)؛ خداوند عز و جل ملایم و مهربان است و ملایمت را در هر کاری دوست دارد.

ب - باورمندی به سرای آخرت و پاداش اخروی

یکی دیگر از باورهای اعتقادی که جهت معنوی کردن سازگاری و در نتیجه تقویت مدارا کارساز است، اعتقاد به قیامت و پاداش اخروی است.

باورهای دینی به ویژه باور به روز قیامت، نقشی بسیار اساسی در جهت‌دهی به رفتار انسان دارد. باور داشتن روزی که مردم به فرمان حق زنده می‌شوند و در محکمه عدل الهی حضور می‌یابند؛ همچنین باور به نعمت‌ها و عذاب‌های اخروی، انسان را به انجام اعمال شایسته از جمله نرم‌خویی و مدارا برمی‌انگیزاند (حیدری، ۱۳۸۵، ۲۵)، چرا که اصولاً ایمان به معاد و پاداش‌های عظیم الهی تحمل انواع مشکلات را برای انسان سهل و آسان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۷، ۷۵).

از این رو در خانواده‌های برخوردار از این باور با وجود مشکلات شدید مانند معلولیت‌های افراد، شکست‌ها و ناخوشی‌ها، سال‌های طولانی علاوه بر تحمل و انعطاف، از یکدیگر حمایت عاطفی می‌شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (حجر/۸۵)؛ ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم و ساعت موعود قطعاً فرا خواهد رسید، پس به طرز شایسته‌ای صرف نظر کن.

در این آیه بعد از این که عنوان می‌کند هستی هدف‌دار آفریده شده و قیامت جزء این هدف و خلقت است و بالضروره آمدنی است، از حضرت رسول ﷺ می‌خواهد تا در برابر دیر باوری و مخالفت مردم مدارا کند.

«این آیه نشان می‌دهد که یکی از زیر بناهای مسائل اخلاقی (از جمله مدارا) ایمان به معاد می‌باشد و چنین باوری است که تحمل سختی‌های زندگی را آسان می‌نماید» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ۳۵۱).

همچنین بشارت به پاداش‌های اخروی و نعمت و آسایش سرای ابدی، می‌تواند انگیزه‌ای در جهت انعطاف و مدارا در خانواده باشد. برای نمونه خداوند در سوره مبارکه زخرف می‌فرماید: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَآزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ (زخرف/۷۰)؛ شما و همسران‌تان شادمان و شادکام و محترمانه داخل بهشت شوید.

از جمله پاداش‌های اخروی همین است که همسران با ایمان دنیوی در آخرت نیز با هم هستند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ۴۷۳) روشن است بودن در کنار همسران با

ایمان و مهربان هم برای مردان لذت‌بخش است و هم برای زنانشان که اگر در اندوه دنیا شریک بودند در شادی آخرت نیز شریک باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۱، ۱۱۴) و همین امر انگیزه فرد را جهت مدارا با همسر و دیگر اعضای خانواده چندین برابر خواهد کرد.

در کلمات اولیای دین نیز به پاداش‌ها و نعمت‌های اخروی اشاره شده که در ازای مدارا شامل حال انسان خواهد شد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (عابدینی، ۱۳۸۶، حدیث ۳۸۲۸)؛ هر کس را که بهره‌ای از مدارا داده‌اند، بدون شک بهره‌اش را از خیر دنیا و آخرت داده‌اند.

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَلْهَيْنَ الْقَرِيبُ اللَّيْنُ السَّهْلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ۵۱)؛ آیا شما را خبر دهم به کسی که آتش فردای قیامت بر او حرام است؟ گفتند: آری. فرمود: آن که دارای آسان‌گیری است، در زندگی و شؤون آن، نزدیک بر انسان و نرم خو و آسان است.

همچنین در مورد زنانی که بر کج خلقی‌های همسرشان مدارا کنند، خداوند به آنان مقامی همچون مقام آسیه می‌دهد که بر کج خلقی همسرش صبر نمود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ» (همان، ج ۱۰۳، ۲۴۷)؛ خانمی که بر سوء خلق شوهرش صبر کند، خدای متعال اجر آسیه را به او می‌دهد که با شخصی مثل فرعون زندگی می‌کرد.

۲. تمرین و مراقبت

یکی دیگر از راه‌های تقویت مدارا در خانواده تمرین و مراقبت می‌باشد. فرهنگ مراقبت و نگهداری از جمله مواردی است که از جانب همسران، به درستی رعایت نمی‌شود و همین مسأله نیز باعث تعارض زوجین می‌شود. این امر بدیهی است که اصولاً هر چیزی به مراقبت و نگهداری نیاز دارد. یک زندگی مشترک نیز از همین

امر پیروی می‌کند. در واقع بیشتر سعی و تلاش همسران مراقبت در همان انتخاب اولیه است. حال آن که عمده دشواری‌ها و سختی‌ها پس از آغاز زندگی شروع می‌گردد. مراقبت از زندگی مشترک به معنی برطرف کردن کدورت‌ها، مشکلات، رنجش‌ها و اذیت و آزارهایی است که همسران به یکدیگر وارد می‌نمایند (کاو، ۱۳۸۶، ۳۶-۳۳). بی‌تردید مراقبت به این معنا زمینه تقویت مدارا را فراهم می‌کند.

ممکن است آدمی در ابتدای زندگی نتواند در برابر سختی‌ها و ناگواری‌های تحمیل شده از جانب همسر از خود نرمی و انعطاف نشان دهد، ولی با تکرار و مراقبت، چنان انجام این امر برای او آسان می‌شود که از آن لذت خواهد برد، چرا که رسوخ فضایل اخلاقی در دل و ملکه شدن آن نیاز به تمرین و ممارستی پی در پی دارد (ایروانی، ۱۳۸۷، ۶۳). این یک قانون طبیعی است که هر کس در هر کاری استقامت کند به نتیجه خواهد رسید و انجام آن کار برایش آسان خواهد شد. همان گونه که خداوند در قرآن کریم به این مهم اشاره دارد: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ؛ وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ؛ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ﴾ (لیل/۵-۷).

کسی که حقوق الهی را رعایت کند و بر انجام آن مبادرت و تمرین نماید، ما انجام آن کار را برای او سهل و آسان می‌کنیم. گر چه این آیه در مورد انفاق می‌باشد، ولی به هر حال در مورد هر عمل پسندیده دیگری از جمله مدارا می‌تواند صدق کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْخُلُقَ مَنِيحَةٌ يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهُ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَ مِنْهُ نِيَّةٌ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ فَقَالَ صَاحِبُ السَّجِيَّةِ هُوَ مَجْبُودٌ لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَ صَاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ تَصَبُّراً فَهُوَ أَفْضَلُهُمَا» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۵۸)؛ خلق و خوی، بخششی است که خداوند عز و جل به مخلوق‌اش عطا می‌کند، برخی از آن غریزی و برخی از آن نیت است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین پیدا می‌شود و غریزه و فطرت ثانوی می‌گردد). عرض کردم کدام یک از این دو بهتر است؟ فرمودند: آن که غریزه دارد بر آن سرشته شده و غیر آن نتواند کند و آن که نیت دارد، به سختی خود را به صبر بر طاعت دارد، پس این بهتر است.

برخی از اخلاق حمیده، مانند سخاوت و حیا و غیرت و صبر در بعضی از مردم سرشته شده و فطری و ذاتی آنهاست و صفات نیک دیگری در همین اشخاص یا اشخاص دیگر به نحو اقتضا و عاریه قرار دارد که اگر انسان روی آنها تمرین کند و خود را به سختی به آنها وادارد به تدریج ممکن است همان اخلاق و صفات مانند دسته اول ملکه راسخه آنها گردد که نتوانند از آنها تجاوز کنند و دست بردارند. «پیداست که از نظر واقع و حقیقت بدون ملاحظه در تکلیف دسته اول بهتر است و هر کس آنها را طالب تر، ولی از نظر عالم تکلیف و ثواب و عقاب فضیلت با دسته دوم است، زیرا آنان با تحمل رنج و مشقت به دسته اول رسیده‌اند و تحمل رنج و مشقت نزد خدا بی ثواب و پاداش نباشد» (همان، ۱۵۹).

بنابراین برای آن دسته از فضایل اخلاقی که در طبیعت آدمی است، باید خدا را شکر کرد و برای آن دسته که در سرشت آدمی نهادینه نشده است باید زحمت کشید و آن را با تمرین و مراقبت به دست آورد.

فضیلت حلم و مدارا نیز باید با تمرین و مراقبت حاصل شود. زن و مرد اگر به وقت خطا و اشتباه، نرم‌خویی و عفو را در دستور کار خود قرار دهند و این امر را تمرین نمایند بر آن قوت می‌گیرند و گام به گام به کسب این فضیلت نزدیک‌تر شده و بعد از مدتی به این صفت ملکوتی آراسته خواهند شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (دستی، ۱۳۸۴، حکمت ۲۰۷، ۴۸۰)؛ اگر بردبار نیستی خود را بردبار نشان ده، زیرا اندک است کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به حساب نیاید.

«همسران باید بخواهند از گناه یکدیگر چشم‌پوشی نمایند، و بعد تصمیم بگیرند، تا دارای اراده‌ای قوی و تزلزل‌ناپذیر شوند؛ چرا که کار نیکو کردن از پر کردن است» (نوری‌ها، ۱۳۸۲، ۸۸).

«در سکوت عبارات زیر را بخوانند، و سپس آنها را با صدای بلند تکرار کنند. من اکنون می‌خواهم، می‌توانم و آماده‌ام رفتارهای ناخودآگاهی که بین من و عشق فاصله انداخته را کنار بگذارم. من اکنون مایلم ببخشم، آماده‌ام که آزاد شوم. حال

می‌خواهم خوشبخت و سعادتمند باشم» (ونزانت، ۱۳۸۳، ۱۷۲). بدون شک تمرین و مراقبت، نرمی و مدارا را در فرد تقویت می‌کند.

﴿۱۳۳﴾

۳. تغافل و تجاهل

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در تقویت مدارا مؤثر باشد استفاده از عقل و تدبیر به هنگام مواجه شدن با ناملازمات است.

«ارزنده‌ترین نعمتی که خداوند به انسان مرحمت فرموده، نعمت عقل است. این نعمت، اساس شخصیت و منشأ اصلی افتخارات آدمی شمرده می‌شود» (کتابچی، ۱۳۸۷، ۲۰).

قرآن کریم همواره بر نتایج تکیه می‌کند، و هر عضوی از اعضای انسان را که در مسیر هدایت و سعادت او اثربخش نباشد، همانند فقدان آن می‌شمرد. بنابراین کسانی که از نعمت عقل و هوش بهره‌مند هستند، اما درست نمی‌اندیشند، همچون دیوانگان شمرده می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷، ۱۲۳).

از آن جایی که سود بردن به نیروی عقل و خرد است، اگر انسان از نیروی عقل و اندیشه در زندگی و رفتار با اعضای خانواده کمک بگیرد، بی‌تردید سود خواهد کرد. در این صورت خواهیم گفت: این انسان از ملائکه هم برتر و بالاتر است. در غیر این صورت «چنین کسانی از ستوران، که از نعمت عقل و خرد محروم اند بدترند (گروهی از مترجمان، ۱۳۷۸، ج ۴، ۳۳).

خداوند اینان را زیان‌بارترین جنندگان روی زمین می‌شمارد، آن‌گاه که می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (انفال/۲۲)؛ زیان‌بارترین جنبنده آنان هستند که گوش از شنیدن حق بسته و زبان از گفتن حقیقت بازداشته و اندیشه نمی‌کنند.

کسانی که از این سرمایه برخوردارند حق هر نعمتی را به طور شایسته ادا می‌سازند. از جمله حق زندگی (خانواده)، روایات اسلامی حاکی است که نرمی و ملائمت، ثمره رشد عقل است. فردی که به رشد عقلی رسیده است با درک درست مسائل و موضع‌گیری اصولی در برابر مشکلات توانایی خود را در حل مسأله نشان

می‌دهد و با نگاهی هدف‌مند و انتظاراتی واقع‌بینانه به برنامه‌ریزی در زندگی‌اش می‌پردازد و با شناخت صحیح از خود و اطرافیان، نسبت به رفتار خویش مسؤولیت‌پذیر است (رشیدپور، ۱۳۷۰، ۱۴۵).

کسانی که از رشد عقلانی برخوردار باشند، انتظار ندارند که در طول زندگی مشترک، همه توقعات آنان از جانب همسران برآورده شود. علاوه بر این، با کمبودهای حاصله از جانب همسر نیز می‌سازند و تمام تلاش خود را برای مدارا با او انجام می‌دهند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ۵۲)؛ خردمندترین مردم کسی است که با مردم نرمی و مدارای بیشتری کند و خوارترین مردم کسی است که مردم را پست بشمارد.

کسانی که در زندگی از قدرت تعقل بیشتری برخوردارند، می‌دانند که برای سعادت خانواده گاه مجبورند بعضی از صفات همسر را تا آخر عمر، یا برای مدت طولانی تحمل کنند.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «لَيْسَ الْحَكِيمُ مَنْ لَمْ يَدَارِ مَنْ لَا يَجِدُ بُدًّا مِنْ مُدَارَاتِهِ» (آمدی، بی‌تا، ج ۵، ۳۹۸)؛ حکیم نیست آن کس که مدارا نکند با کسی که چاره‌ای جز مدارا کردن با او نیست.

کسانی که از عقل بیشتری برخوردار هستند، قدرت کنترل در آنان زیاد می‌باشد، و کسانی که از این نعمت خدا داده کم‌تر بهره‌دارند کم‌تر می‌توانند روش ملایمت و نرمش را اختیار نمایند. دلیل این نکته این است که افراد عاقل سعی می‌کنند با تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات و با نرمش و انعطاف‌پذیری از درگیری جلوگیری کرده، به سلامت از کنار آتش جنگ و جدال و نزاع درگذرند. در حقیقت عقل و خرد در انسان به منزله فنرهای ماشین است. هنگامی که ماشین به دست اندازها می‌افتد فنرها با نرمش و انعطاف‌پذیری از چاله گذشته و از شکستن و خرد شدن جلوگیری به عمل می‌آورند و اگر فنرها روزی حالت انعطاف‌پذیری

خود را از دست داده باشند، در اولین برخورد با دست‌انداز خواهند شکست (رشیدپور، ۱۳۷۳، ۱۴۶).

﴿۱۳۵﴾

بر هر عاقلی واجب است که نهایت از بدخلقی احتراز نماید و هر کاری که می‌خواهد انجام دهد یا هر سخنی که می‌خواهد بگوید ابتدا درباره آن فکر کرده، و خود را محافظت نماید که غفلت و بدخویی از او صادر نشود (نراقی، ۱۳۸۸، ۲۴۵).
با توجه به حدیثی از امام علی علیه السلام که می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ إِحْتِمَالٌ، وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۸، ۴۹۲)؛ نیمی از وجود عاقل و خردمند تحمل و صبر و بردباری، و نیم دیگرش خود به فراموشی زدن است، می‌توان گفت: از نشانه‌های یک انسان خردمند این است که به هنگام دیدن خطا و تقصیر و مشاهده عیب و نقص اعضای خانواده‌اش خود را به تغافل بزند.

در قرآن کریم تغافل با عنوان «صفح» (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۸۶) آمده است. ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/۲۲)؛ آنها باید عفو کنند و چشم‌پوشند آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.

تغافل نهایت بزرگواری فرد است، با این که خطای همسر یا فرزندش را می‌بیند، خود را در نهایت کرامت به ندانستن می‌زند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (دستی، ۱۳۸۶، حکمت ۲۲۲، ۴۸۳)؛ خود را به بی‌خبری نمایاندن و چشم‌پوشی، از بهترین کارهای بزرگواران است.

تجاهل نیز زمینه خوش خلقی بین همسران را ایجاد می‌کند، با این که آدمی از خطا و اشتباه همسر و فرزندش آگاه است، ولی به طور عمد با فکر و تدبیر، خود را به جهل می‌سازد و در نهایت بردباری و شکیبایی، صبر پیشه می‌کند و با مدارای با همسرش آرامش خانواده را تضمین می‌نماید.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ، لَا حِلْمَ كَالْتَّغَافُلِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۸، ۴۹۲)؛ تدبیری مانند خود را به بی‌خبری زدن، و حلمی همچون

خود را به غفلت زدن نیست.

با توجه به احادیث نقل شده می‌توان گفت تغافل و تجاهل از عواملی هستند که می‌توانند از تأثیر علل هجران و دوری بکاهند و نگذارند رشتهٔ محبت به آسانی گسسته شود. تغافل و خویشتن را ناآگاه جلوه دادن در مواردی که مصلحت است، آن قدر در اخلاق اسلامی مهم تلقی شده که افراد باایمان نمی‌توانند آن را نادیده انگارند و از کنار آن بی‌توجه بگذرند (حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ۴۱۰). رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۵۹)؛ نیمی از رفتار و گفتار مؤمن مبتنی بر تغافل است.

امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرموده است: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ» (آمدی، بی‌تا، ج ۲، ۷۱۷)؛ کسی که در بسیاری از امور تغافل و چشم‌پوشی نکند، آرامش و آسایش خود را به هم زده است.

۴. درک متقابل (شناخت صحیح زن و مرد از یکدیگر)

یکی دیگر از راه‌های تقویت مدارا در خانواده، درک صحیح و شناخت شایستهٔ همسران و اعضای خانواده از یکدیگر است.

همسران باید بدانند، افراد در روش زندگی و دیدگاه‌های‌شان نسبت به مسائل متفاوت‌اند. البته این سخن به معنای تحمل تفاوت‌ها نیست، بلکه به همسران توصیه می‌شود اختلاف‌ها را درک کنند و به نقطه نظرات مخالف احترام بگذارند. این نگرش، اصول زندگی را دگرگون کرده و به وضوح درگیری‌ها را کاهش می‌دهد. وقتی بفهمیم که دیگران کارها را به طور متفاوتی انجام می‌دهند و نسبت به محرک‌ها، عکس‌العمل‌های مختلفی دارند، همدردی افزایش یافته و برخوردها کاهش می‌یابد و همین امر عاملی برای تقویت مدارا خواهد بود (کارلسون، ۱۳۸۶، ۹۳).

زن و مرد، گرچه در انسانیت مشترک و هر دو بر اساس یک هدف خلق شده‌اند، اما خداوند متعال آن دو را از جهات گوناگون متفاوت آفریده است تا زمینه برای تشکیل خانواده فراهم شود. گاه زن و مرد فلسفهٔ این تفاوت‌ها را از یاد

می‌برند و بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و همچنین توان یکدیگر، هر یک از دیگری انتظاراتی دارند که خارج از توان ایشان می‌باشد و همین مسأله، نزاع و جدال میان آنان را فراهم می‌کند تا آنجایی که کار به جدایی می‌کشد.

زنان باید بدانند مردان از نظر جسمی قوی‌تر و مقاوم‌تر از آنان هستند و زن از لحاظ احساس و عاطفه، بر مرد غلبه دارد. مردان سرپرست خانواده و در تدبیر زندگی و تربیت و تعلیم مسلط بر زنان هستند و چون از لحاظ علم و حسن رأی و عقل و تصمیم بر زنان برتری دارند، سرپرستی ایشان را به مردان واگذار کرده‌اند. زنان شایسته، مطیع امر خدا و همسران خود هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ۱۳۵).

آنچه می‌تواند به وجود روابط نرم در خانواده کمک کند، این است که مرد انتظار نداشته باشد همسرش روحیه عقلانی مردها را داشته باشد و به عکس زن هم نباید توقع داشته باشد مرد روحیه عاطفی به سبک زنان را داشته باشد. بنابراین از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در تقویت مدارا مؤثر باشد، قبول همسر به عنوان یک فرد مستقل با ویژگی‌های منحصر به فرد خود است، که گاه در این خصوصیات نقطه مقابل او می‌باشد. پس به هنگام توقعات و انتظارات خود علاوه بر در نظر گرفتن ویژگی‌ها و تفاوت‌های همسر باید طاقت و توان او را نیز در نظر گرفت.

مردان باید بدانند که زن در خانه ایشان، گلی خوشبو است نه پیشکار و خدمتکار. امام علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ، وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (دشتی، ۱۳۸۶، ۳۸۲)؛ کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن، گل بهاری است، نه خدمتکار در امور خانه.

توصیف زن در کلمات اولیای دین به ریحانه، به لطافت و آسیب‌پذیری عاطفی و احساسی زن اشاره دارد. در مقابل، صفت قهرمانی، که به معنای رئیس خدمتگزاران است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ۱۱۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ۴۹۶)، متضمن نوعی مدیریت، دلیری و کار کردن است که از زن نفی شده است. از تقابل این دو کلمه می‌توان برداشت کرد که عناصر زیبایی‌شناختی، آرامش‌بخش و عاطفی در زن غلبه دارد و کم‌تر باید سخت‌رویی و کار کردن از او انتظار داشت

(سالاری فر، ۱۳۸۵، ۵۲ و مسعودی، ۱۳۸۴، ۲۲۸).

امام علی علیه السلام می فرماید: «ای فرزندم!... اگر توانستی که به زن، بیش از توانش تحمیل نکنی چنین کن، زیرا این کار، زیبایی او را پایدارتر، خاطرش را آسوده تر و حالش را نکوتر می سازد، چرا که زن گل است، نه پیشکار» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ۱۲۰).

یک قانون کلی همگانی در زندگی این است که در همه جا اصل نخستین، صلح و صفا و دوستی و سازش است ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (نساء/۱۲۸). نزاع و کشمکش و جدایی به خلاف طبع سلیم انسان و زندگی آرام بخش اوست؛ لذا جز در مواردی ضروری و استثنایی نباید به آن متوسل شد. بنابراین زن و مرد به جای توجه به مصالح فردی، باید به مصلحت خانواده بیندیشند و با انعطاف و پذیرش جایگاه همسر در زندگی از خواسته های فردی خود بگذرند و آنها را در جهت پیش برد اهداف زندگی به کار گیرند (محمدی نیا، ۱۳۸۹، ۸۱).

اگر همسران بدانند زندگی مشترک برنده و بازنده منفرد ندارد، و زن و شوهر و فرزندان یا با هم به رشد و تعالی می رسند و یا همه با هم از ارتقاء و پیشرفت باز خواهند ماند؛ بی تردید برای برنده شدن خانواده، سعی می کنند همسر خود را درک کرده و با کمبودهای زندگی مشترک بسازند، چرا که طبق فرمایشات اولیای دین علیهم السلام کسی که می خواهد از زندگی باصفایی برخوردار باشد در هر حال باید مدارا کند (کاوه، ۱۳۸۶، ۵۳).

امام علی علیه السلام می فرمایند: «فَدَارِهَا عَلٰی كُلِّ حَالٍ وَ اَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ۱۲۲)؛ در هر حال با همسرت مدارا کن و با او معاشرت و همنشینی شایسته داشته باش تا زندگی ات باصفا شود.

آخرین مطلبی که در مورد درک متقابل زن و مرد از یکدیگر می توان عنوان کرد، این است که اگر همسران شناخت صحیحی از یکدیگر داشته باشند، می دانند که هر کدام از آنها به عنوان نعمت و امانت برای دیگری آفریده شده اند؛ در این صورت علاوه بر این که خداوند را بابت این امانت و نعمت، شکر لفظی می گویند، در جهت شکر عملی نیز برآمده و معاشرتی نیکو با همسر خود خواهند داشت. حال

اگر با کوتاهی هر یک از آنها این امر تحقق پیدا نکند، در حقیقت کفران نعمت شده است (نراقی، ۱۳۸۸، ۷۸۸). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم/۲۱)؛ از جمله نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و میان‌تان دوستی و مهربانی نهاد. آری در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است. بی‌تردید شکر این نعمت به گرمی داشتن و مدارا می‌باشد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «و اما حق همسرت آن است که بدانی خداوند متعال با آفرینش او وسیله آرامش، رفاه، انس و نگهداری تو را فراهم نموده است. هر کدام از شما زن و شوهر بر نعمت وجود دیگری، خدا را سپاس گوید و بداند که بر او و بر تو واجب است که این نعمت الهی را گرمی داشته و در معاشرت با او، خوشرفتاری و رفق پیشه کنی، اگر چه حق تو بر زن سخت‌تر و رعایت محبوب و مکروه تو (اگر زیاده خواهی نباشد)، بر او لازم‌تر است، ولی زن حق مهربانی و انس بر تو دارد و جایگاه آرامش و آسایش، گزینه‌ای است که گریزی از انجام آن نیست و این حق بزرگی است» (ابن شعبه حرانی، بی‌تا، ۲۶۲ و حیدری نراقی، ۱۳۸۸، ۲۷۰).

۵. توجه به منافع بلند مدت

توجه به منافع بلند مدت در خانواده، از مواردی است که می‌تواند انگیزه همسران را جهت تقویت مدارا افزایش دهد. بی‌تردید کسی که به خود یادآور شود، تنها چند لحظه تحمل و نرمی نشان دادن در برابر برخورد و رفتارهای نادرست همسر و دیگر اعضای خانواده، علاوه بر این که آتش خشم را خاموش می‌کند و موجب رضایت خداوند می‌شود، آثار و برکات زیادی را نیز در زندگی به همراه خواهد داشت؛ به راحتی و با انگیزه‌ای قوی می‌تواند در برابر ناملازمات زندگی از خود نرمش نشان داده و از بهره‌های مادی و معنوی مدارا استفاده کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله تصریح می‌کند که منفعت خانواده، در رفق و مدارا می‌باشد: «مَا أُعْطِيَ أَهْلُ بَيْتِ الرَّفْقِ إِلَّا

نَفَعُهُمْ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۸۲)؛ به هیچ خانواده‌ای، مدارا و ملایمت عطا نمی‌شود، مگر این که به آنان سود برساند.

به کارگیری رفق و نرم‌خویی و سازش، و با اخلاق گرم و نرم با یکدیگر زندگی کردن، علاوه بر این که دستور اکید اسلام است، نوعی عبادت بوده و دارای ثواب و بهره فوق‌العاده می‌باشد (سالاری فر، ۱۳۸۵، ۵۱۴). از جمله این بهره‌ها، داشتن جامعه‌ای سالم است، چرا که جامعه سالم در گرو داشتن خانواده‌هایی است که به علت برخورد خوش و مدارا و نرم‌خویی از سلامت کافی برخوردارند. بدون شک خانواده سالم مساوی با جامعه سالم خواهد بود.

اساساً بدون رفق و مدارا نمی‌توان از زندگی بهره کامل برد، چرا که نیمی از آن را مدارا تشکیل می‌دهد. در همین زمینه امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «الرفق نِصْفُ الْعَيْشِ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۸۲)؛ نرمی و مدارا، نیمی از زندگی است.

منفعت‌های بلندمدت که در سایه رفق و مدارا نصیب انسان می‌شود عبارت است

از:

الف - کامیابی (سلامت و پایداری)

زن و مرد جوانی که با پیوند مقدس ازدواج، زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کنند، با توجه به نوع نگرش آنها به سعادت و خوش‌بختی، به آینده زندگی خویش امید بسته‌اند و برای به دست آوردن حیاتی سعادت‌مندانه به تلاش و کوشش می‌پردازند. امید برای آینده‌ای روشن و کامیابی در زندگی، یکی از عواملی است که موجب سازگاری و تفاهم شده و زمینه هر چه بیشتر مدارا در خانواده را فراهم می‌کند، چرا که امید به زندگی و دستیابی به هدف، که همان سعادت و کامیابی در زندگی است، مانع بروز ناسازگاری و بگو مگوهای خانوادگی است و همین امید به کامیابی است که باعث می‌شود همسران بتوانند، سختی‌ها و ناملایمات را یکی پس از دیگری پشت سر گذارده، به آینده‌های روشن دست یابند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ۹۸).

یکی از شیوه‌های اولیای دین علیهم السلام، برای تشویق انسان‌ها نسبت به رفتار مناسب با

همسر، اعلام اموری است که برای آنها اهمیت بسیاری دارد، که از جمله این امور، همین کامیابی در زندگی است (سالاری فر، ۱۳۸۵، ۷۸).

﴿۱۴۱﴾

در سخنان اولیای الهی علیهم السلام، کامیابی و سعادت در سایه مدارا حاصل می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الرَّفْقُ مُفْتَا حُ النَّجَاحِ» (آمدی، بی‌تا، ۴۳۳)؛ ملامت و مهربانی کلید کامیابی است.

از جمله اهدافی که همسران دنبال می‌کنند تا با رسیدن به آن کامیاب شوند، بقا و پایداری زندگی است، آنها به دنبال این هستند که تضمینی برای ثبات خانواده پیدا کنند و نگران تغییر منفی زندگی نباشند (حسین زاده، ۱۳۸۸، ۱۰۲). این تضمین، همان رفق و مدارا در زندگی خواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بِالرَّفْقِ تَدْوُمُ الصُّحْبَةِ» (آمدی، بی‌تا، ۲۴۴)؛ با رفق و مدارا همدمی و همراهی در زندگی مشترک پایدار می‌ماند.

سلامت خانواده نیز از جمله مواردی است که باعث کامیابی می‌شود، که این مهم نیز با مدارا حاصل خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ» (همان، ۵۶۰)؛ سلامت زندگی، در مدارا کردن است.

هر اندازه اعضای خانواده بیشتر آراسته به اوصاف پسندیده مانند گذشت، نرم‌خویی و مدارا باشند، زندگی‌شان از سلامت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود، که نتیجه آن کامیابی است.

تحقیقات نشان داده است، افرادی که بیشتر اهل مدارا و گذشت هستند از زندگی سالم‌تری برخوردارند. به عکس، کسانی که مزین به این خصوصیت اخلاقی نمی‌باشند، بیشتر دچار ناراحتی‌های جسمی از جمله فشار خون، زخم معده و ناراحتی‌های عصبی، همچون افسردگی می‌شوند (عاطف وحید، بی‌تا، ۱۱۱). وقتی مدارا نباشد پای جدال، بگو مگو و تنش‌های آن‌چنانی به میان می‌آید و در این بین سلامت خانواده به خطر افتاده و زندگی به کام انسان تلخ خواهد شد و نتیجه این که دین و دنیا بر باد می‌رود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَلَامَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ» (محمدی ری

شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ۲۴۰؛ سلامت دین و دنیا در مدارا کردن با مردم است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «أوصاني جبرئيلُ بالمرأةِ حتى ظننتُ أنه لا ينبغي طلاقها إلا من فاحشةٍ مُبينَةٍ» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ۴۴۰)؛ جبرئیل پیوسته مرا درباره زن سفارش می‌کرد، چندان که گمان بردم طلاق دادن او جز در صورت ارتکاب عمل زشت زنای آشکار روا نیست. بنابراین مدارا در هر حال، مگر در صورت ارتکاب گناه نابخشودنی ضروری است.

ب - بزرگداشت و تکریم همدیگر

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند جهت تقویت مدارا مؤثر واقع شود، نیاز به تکریم در خانواده است. هر انسانی در طول زندگی آرزو می‌کند مورد تحسین و تکریم قرار گیرد (پی، مایکل، ۱۳۸۷، ۴۳۱). امام صادق علیه السلام از رفق به عنوان عاملی برای تکریم نام برده است. ایشان میان مدارا و نرم‌خویی با تکریم فرد توسط طرف مقابل ملازمه برقرار نموده است: «إِنْ شِئْتَ أَنْ تُكْرَمَ فَلِنْ، وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُهَانَ فَاحْشُنْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ۲۶۹)؛ اگر می‌خواهی گرامی باشی ملایم و مهربان باش و اگر می‌خواهی خوار شوی خشن باش.

اهمیت نیاز به تکریم، به عنوان عاملی برای تقویت مدارا، زمانی آشکار می‌شود که بدانیم درگیری‌ها و اختلافات، هنگامی پدید می‌آیند که پرده حرمت میان همسران دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نباشند. مهم‌ترین شیوه برای جلوگیری از پیدایش درگیری‌های میان زن و مرد، تحکیم روابط آنان است که به وسیله مدارا حاصل می‌شود. تکریم یکدیگر، طرفین را به هم علاقه‌مند می‌کند. حرمت‌گذاردن به هم، یک حسن است و هر زن و مرد باید نکات مثبت زندگی همسر خود را بیابد و او را برای آن نکات مثبت مورد تکریم قرار دهد (قائمی، ۱۳۶۲، ۲۵۸).

بزرگداشت و تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسانی است. آدمی به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده است، به ذات خویش علاقه دارد و مایل

است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند (حسینی، داوود، ۱۳۸۷، ۳۸).

﴿۱۴۳﴾

این یک نیاز طبیعی است که در فطرت همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است و باید پاسخ داده شود، اما تفاوت‌های میان همسران و در نتیجه درگیری‌های بین آنان مانع از رسیدن او به این خواسته می‌شود. بهترین راه برای ارضای این گزینه این است که بدی‌ها را با خوبی دفع کند، چرا که این کار دشمنی‌ها را تبدیل به دوستی و صمیمیت می‌کند و زمینه تکریم فرد را نیز به وجود می‌آورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت/۳۴)؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند.

هر کس بدی کند انتظار مقابله به مثل را دارد، مخصوصاً افراد بد چون خودشان از این قماش‌اند و گاه یک بدی را چند برابر پاسخ می‌گویند، هنگامی که ببینند طرف مقابل نه تنها بدی را به بدی پاسخ نمی‌دهد، بلکه با خوبی و نیکی به مقابله برمی‌خیزد، و در مقابل بدی‌های او مدارا می‌کند، این جاست که طوفانی در وجودشان برپا می‌شود و وجدان‌شان تحت فشار شدیدی قرار می‌گیرد و بیدار می‌شود، انقلابی در درون جان‌شان صورت می‌گیرد و شرم‌منده می‌شوند، احساس حقارت می‌کنند و برای طرف مقابل عظمت قائل می‌شوند. این جاست که کینه‌ها و عداوت‌ها با طوفان از درون جان برخاسته و جای آن را محبت و صمیمت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ۲۸۱). اگر هر یک از همسران نسبت به رفتار ناشایست دیگری همین اصل را به کار گیرد و بدی را با خوبی دفع کند، موجب تحول، خوش رفتاری و در نتیجه تکریم آنان خواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَنْ لِمَنْ غَالَطَكَ، فَإِنَّهُ يُوْشِكُ أَنْ يَلِيْنَ لَكَ» (دشتی، ۱۳۸۴، نامه ۳۱، ۳۸۰ و ۳۸۱)؛ با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود.

اگر انسان به معنای حقیقی کلمه، آداب معاشرت دینی را رعایت کند، نه تنها مدارا موجب سوء استفاده دیگران از او نمی‌شود؛ بلکه زمینه مدارای آنان را هم فراهم می‌کند. اگر هم مدارای یکی از همسران زمینه مدارای دیگری را فراهم نکند، حداقل از شدت گرفتن فضای تنش آلود خانه پیش‌گیری می‌کند. بنابراین اگر اعضای خانواده می‌خواهند مورد احترام و گرمی‌داشت طرف مقابل قرار گیرند باید ملایمت را جزء برنامه‌های اصلی زندگی خود قرار دهند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يَرِيدُ مِنَ النَّاسِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ۶۴)؛ هر که در کار خود نرمی کند، هر چه از مردم خواهد بدان برسد.

معاشرت و رفتار انسان با اعضای خانواده و حتی خارج از خانواده باید به گونه‌ای باشد که اگر از بین آنها برود نبودنش را حس کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ وَ إِنْ عَشْتُمْ (غَيْبْتُمْ) حُنُوا إِلَيْكُمْ» (دستی، ۱۳۸۴، حکمت ۱۰، ۴۴۴)؛ با مردم چنان معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر زنده باشید (غایب شوید) مشتاق دیدن شما باشند.

بنابراین اگر انسان می‌خواهد مورد احترام باشد، باید با مردم و اعضای خانواده معاشرت نیکو داشته باشد.

ج - خیر کثیر

ممکن است در طول زندگی مشترک، به دلیل برخی از مسائل، مهر و محبت زوجین نسبت به هم کم شود و یا حتی به علت برخی از خصوصیات اخلاقی زن و شوهر، کدورتی ایجاد شده و زوجین تصور کنند تنها راه نجات، جدایی است و از این طریق می‌توانند به زندگی بهتر دست پیدا کنند.

قرآن کریم با توجه به اهمیت لزوم حفظ خانواده و با توجه به این که حق طلاق با مردان است، خطاب به ایشان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ

تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿نساء/۱۹﴾؛ ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت)، و بر آنان سخت گیری و بهانه جویی کنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده‌اید به جور بگیرید، مگر آن که عمل زشتی از آنها آشکار شود و در زندگانی به آنها به انصاف رفتار نمایید، و چنان چه دل‌پسند شما نباشند (اظهار کراهت نکنید) چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آن که خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید.

انسان باید بداند که همیشه خیر و شر همراه با تمایلات او نیست، چه بسا چیزی را ناخوشایند بداند حال آن که خداوند خیر زیادی در آن قرار داده باشد. بنابراین نباید عجولانه تصمیم بگیرد، چرا که انسان به همه مصالح خویش کاملاً آگاه نمی‌باشد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۲۶۱).

از جمله مصادیق مهم خیر عبارتند از:

۱. فرزندان صالح و با لیاقت و ارزش مند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۳۲۱)؛ ممکن است همسر از جهاتی برای انسان ناخوشایند باشد، ولی خدای علیم خیر دنیا و آخرت را از طریق نسلی شایسته نصیب او نماید.

۲. مصداق دیگر خیر کثیر در مدارا، اوج گرفتن و تعالی معنوی است. کسی که با خانواده مدارا کند از توفیقات الهی بهره‌مند خواهد شد، در غیر این صورت از این مقامات محروم می‌گردد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَنْ حَرَّمَ مُدَارَاةَ النَّاسِ فَقَدْ حَرَّمَ التَّوْفِيقَ» (احسان‌بخش، ۱۳۷۱، ج ۶، ۴۰)؛ هر که محروم از مدارا کردن با مردم باشد محروم از توفیق است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «گروهی از قریش با مردم کم‌سازگاری کردند و از قریش رانده شدند، در صورتی که به خدا سوگند از نظر خانوادگی عیبی نداشتند، و گروهی از قریش با مردم خوش رفتاری نمودند و به خاندان عالی و بلند پیوستند. سپس فرمودند: هر که دستش را از مردم دریغ دارد او از آنها یک دست دریغ

داشته، ولی مردم از او دست‌ها دریغ دارند» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۸۰).
در صورتی که هر یک از همسران از جانب دیگری مورد آزار و اذیت قرار بگیرد و او با مدارا و نرم‌خویی، این گرفتاری را تحمل کند، بی‌تردید به مقامات معنوی خواهد رسید؛ از جمله:

۲-۱. اجر ایوب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که بر سوء خلق زن خود صبر کند، خدای متعال در قبال هر سختی که در تحمل آن زن می‌بیند اجر ایوب پیغمبر صلی الله علیه و آله را به او عطا می‌کند» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ۲۸۷).

۲-۲. مقام شهید

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ عَاشَ مُدَارِيًا مَاتَ شَهِيدًا» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ۴۰۷)؛ کسی که با مدارا کردن با مردم زندگی را به پایان برد شهید می‌میرد. در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که: «مَنْ مَاتَ مُدَارِيًا مَاتَ شَهِيدًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ۵۵)؛ آن کس که با مدارا و نرمی با مردم بمیرد شهید مرده است.

۲-۳. اجر صدقه

براساس احادیث، مدارا با مردم و خانواده نوعی صدقه است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (همان، ۴۰۱)؛ همانا مدارا کردن با دشمنان خدا از برترین صدقه دادن مرد بر خویشتن و برادران مؤمنش می‌باشد. وقتی مدارا کردن با دشمن چنین اجری داشته باشد بدون شک مدارا با همسر و فرزند اجری بزرگ‌تر خواهد داشت.

د - خیر و برکت در زندگی

یکی دیگر از منافع مدارا، خیر و برکت در زندگی است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

این مورد را در حدیثی عنوان می‌فرمایند: «الرَّفْقُ يَمْنٌ وَ الْخُرْقُ سُومٌ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۸۵)؛ رفق و مدارا، برکت، و خشونت بی‌برکتی و شومی است. ایشان می‌فرمایند: «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَهَ وَ مَنْ يَحْرِمُ الرَّفْقَ يَحْرِمُ الْخَيْرَ» (همان، ۱۸۲)؛ در نرمی افزونی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد از خیر محروم گشت. افزایش روزی از برکات مدارا و رفق در زندگی می‌باشد. در منابع اسلامی علاوه بر کار و فعالیت، مدارا نیز به عنوان عامل تأثیرگذار در افزایش روزی معرفی شده است (حسین زاده، ۱۳۸۸، ۶۰). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر خانواده‌ای که بهره‌ خود را از نرمی گرفتند، خدا روزی‌شان را وسعت داد و نرمی در تقدیر معیشت (اقتصاد و میانه‌روی در خرج) از وسعت مال بهتر است و با میانه‌روی درماندگی نباشد و با ولخرجی چیزی باقی نماند، همانا خدای عز و جل نرمی می‌کند و نرمی را دوست دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ۶۱).

نتیجه‌گیری

۱. مدارا در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است و مدارای با مردم نیمی از ایمان شمرده شده است.
۲. مدارا علاوه بر این که سعادت و سلامت خانواده و جامعه را به همراه خواهد داشت، باعث برکات فراوانی در زندگی می‌شود. از جمله این که باعث افزایش روزی و رسیدن فرد به مقامات معنوی می‌شود.
۳. عواملی که می‌توانند اعضای خانواده را جهت تقویت مدارا یاری نمایند، شامل تقویت مبانی عقیدتی (معنوی کردن سازگاری)، کامیابی، تمرین و مراقبت، تغافل و تجاهل، درک متقابل (شناخت صحیح زن و مرد از یکدیگر) و توجه به منافع بلند مدت می‌باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، انتشارات دار صادر.
۴. احسان بخش، صادق (۱۳۷۱)، آثار الصادقین، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان.
۵. آمدی، عبدالواحد (بی تا)، غرر الحکم، قم، چاپ دارالکتب الاسلامیه.
۶. ایروانی، جواد (۱۳۸۷)، سازگاری (مدارا و عفو)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۷. پسندیده، عباس (۱۳۸۴)، رضایت از زندگی، چاپ پنجم، قم، نشر دارالحدیث.
۸. پی، مایکل (۱۳۸۷)، خانواده درمانی، ترجمه محسن دهقان، چاپ اول، انتشارات تهران دانش.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، عشق زندگی، چاپ اول، انتشارات سماء قلم.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، دار احیاء التراث.
۱۱. حسین زاده، علی (۱۳۸۸)، همسران سازگار، چاپ هفتم، مؤسسه امام خمینی (علیه السلام)، نشر نگارش.
۱۲. حسینی، داوود (۱۳۸۷)، روابط سالم در خانواده، چاپ پنجم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۸)، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، پانزدهم، قم، انتشارات نراقی.
۱۴. حیدری، مجتبی و خانوادگی، رضامندی (۱۳۸۵)، دینداری، چاپ اول، مؤسسه امام خمینی (علیه السلام).
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۸۴)، ترجمه نهج البلاغه، سی و پنجم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات راغب، چاپ اول، انتشارات دارالعلم.
۱۷. رشیدپور، عبدالمجید (۱۳۷۰)، تربیت از دیدگاه وحی، چاپ سوم، انتشارات نهضت.
۱۸. رشیدپور، مجید (۱۳۷۳)، تعادل و استحکام خانواده، چاپ اول، مؤسسه اطلاعات.
۱۹. سالاری فر، محمد رضا (۱۳۸۵)، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، چاپ اول، اداره نشر ویرایش پژوهشگاه، انتشارات آهنگ قلم.
۲۰. ----- (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، چاپ اول، مرکز نشر هاجر.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، ثواب الاعمال، چاپ اول، قم، دارالرضی.
۲۲. ----- (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۲۳. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن (۱۳۸۵ق)، مشکاة الانوار، نجف، کتابخانه حیدریه.
۲۴. ----- (۱۳۷۲)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه گروهی از مترجمان، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۸۶)، نهج الفصاحه کلمات قصار پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، چاپ سوم، قم، انتشارات فراگفت.

۲۶. عاطف وحید، محمد کاظم؛ احمد رضا محمدپور و لواسانی، فهیمه (بی تا)، تحکیم پیوند زناشویی، چاپ پنجم، انتشارات آهنگ قلم.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، چاپ دوم، انتشارات هجرت.
۲۸. فیومی، احمد (بی تا)، المصباح المنیر، چاپ اول، قم، منشورات دارالرضی.
۲۹. قائمی، علی (۱۳۶۲)، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، انتشارات امیری.
۳۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۱. قریشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، چاپ یازدهم، دارالکتب اسلامیہ.
۳۲. کارلسون، ریچارد (۱۳۸۶)، در زندگی سخت نگیرید، ترجمه نوشین ری شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات فلسفه.
۳۳. کاوه، سعید (۱۳۸۶)، روانشناسی ناسازگاری همسران، چاپ اول، انتشارات سخن.
۳۴. کتابچی، محسن (۱۳۸۷)، آئین زندگی از دیدگاه امام رضا علیه السلام، چاپ چهارم، مشهد، نشر الف.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲)، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، چاپ اول، تهران، انتشارات وفا.
۳۶. گروهی از مترجمان (۱۳۸۷)، تفسیر هدایت، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
۳۷. متقی ہندی، علی (۱۴۰۵ق)، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، چاپ هشتم، قم، دارالحدیث.
۴۰. محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۹)، آیین همسر داری، چاپ هفتم، انتشارات یاران.
۴۱. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴)، روش فهم حدیث، چاپ اول، تهران، سمت.
۴۲. مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۸۷)، خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، چاپ اول، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و هفتم، دارالکتب الاسلامیہ.
۴۴. نراقی، محمد احمد (۱۳۸۸)، معراج السعاده، چاپ دوم، مشهد، انتشارات هاتف.
۴۵. نوری‌ها، حسن علی (۱۳۸۲)، آیین کامیابی، چاپ اول، انتشارات میثم تمار.
۴۶. وارم بن ابی فراس (بی تا)، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه.
۴۷. و نزانت، ایانلا (۱۳۸۳)، رهایی از برزخ زندگی، ترجمه هاله گنجوی، انتشارات آشیانه کتاب.